

تعالی انسان

از دیدگاه مولانا و یاسپرس

مؤلف:

دکتر جمیلہ علم الہدی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بہشتی

بہار ۱۳۸۶

سرشناسه	علم الهدی، جمیله، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	تعالی انسان از دیدگاه مولانا و یاسپرس / مؤلف جمیله علم الهدی.
مشخصات نشر	تهران: عابد، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۲۲۲ ص.
شابک	9789643648312
وضعیت فهرست نویسی	فبیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۱۳ - ۲۲۲.
موضوع	مولوی، جلال الدین محمد، ۶۰۲-۶۷۲ ق. -- انسان شناسی.
موضوع	یاسپرس، کارل، ۱۸۸۳ - ۱۹۶۹ م. -- نظریه درباره انسان شناسی.
موضوع	انسان (عرفان).
موضوع	انسان (فلسفه).
رده بندی کنگره	۸ ع ۸ الف / PIR۵۲۰۷
رده بندی دیویی	۸ فا ۱ / ۲۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۲۳۸۱۶



انتشارات عابد

تعالی انسان از دیدگاه مولانا و یاسپرس

مؤلف: جمیله علم الهدی

ویراستار: بهروز راستانی

ناشر: عابد

حروفچینی: نوآور

طراحی جلد: طاهره حسن زاده

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: معاصر

نوبت و تاریخ چاپ: دوم - بهار ۱۳۸۷

ناشر همکار: اندیشه معاصر

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۴-۸۳۱-۲

آدرس مرکز پخش: خ ستارخان، خ حبیب اللهی، نبش کوچه جعفریان صادق، پلاک ۳۲

تلفن: ۶۶۵۱۳۲۲۱ تلفکس: ۶۶۵۱۵۲۳۹

فهرست مطالب

۱۱		مقدمه
۱۴		فرضیات
۱۴		تعریف واژگان
۱۶		تخلیه (تخلّی)
۱۶		تجلیه (تجَلّی)
۱۶		تحلیه (تحلّی)
۱۷		اهداف و روش تحقیق
۱۷		محدودیت‌های تحقیق
۱۹		تاریخچه
۱۹		کارل یاسپرس
۱۹		الف) شرح حال
۲۲		ب) آثار
۲۳		ج) زندگی علمی
۲۶		جلال الدین محمد مولوی
۲۶		الف) شرح حال
۲۹		ب) آثار
۲۹		ج) زندگی علمی
۳۷		فصل اول
۳۷		انسان‌شناسی
۳۸		نظریه یاسپرس
۴۱		الف) جایگاه انسان
۴۳		ب) سطوح وجودی انسان

۴۴	وجود تجربی
۴۵	آگاهی کلی
۴۶	جان
۴۶	هستی
۴۸	ویژگی‌های Existenz
۴۹	ج) ویژگیهای هستی
۵۳	د) آزادی و انتخاب
۵۸	نظریه مولوی
۵۹	الف) جایگاه انسان
۶۰	ب) مراتب وجودی انسان
۶۴	ج) عقل و روح
۶۸	عقل
۷۲	د) آزادی و اختیار
۸۱	فصل دوم
۸۱	تعالی شناسی
۸۲	تعالی از نظر یاسپرس
۸۴	تعالی از نظر مولوی
۸۶	موجبات تعالی از نظر یاسپرس
۸۶	الف) موجبات اصلی تعالی
۸۶	۱. هدایت الهی
۸۹	۲. فلسفیدن (مراقبه فلسفی)
۹۳	ب) موجبات فرعی تعالی
۹۳	۱. ارتباط
۹۷	۲. موقعیتهای مرزی
۹۹	مرگ

گناه	۱۰۰
شکست	۱۰۱
نبرد یا ستیز	۱۰۲
یأس	۱۰۳
رمز	۱۰۴
موجبات تعالی از نظر مولوی	۱۰۸
الف) موجبات اصلی تعالی	۱۰۸
عشق	۱۰۹
ب) موجبات فرعی تعالی	۱۱۷
۱. موقعیتهای مرزی	۱۱۷
مرگ	۱۲۵
گناه	۱۲۸
رمز	۱۲۹
۳. تبعیت از مرشد	۱۳۲
فصل سوم	۱۳۵
۱. آسیب شناسی:	۱۳۵
موانع تعالی	۱۳۵
الف) نظر یاسپرس	۱۳۶
۱. علم گرایی	۱۳۶
۲. اکتفا به الهیات موروثی	۱۴۰
۳. اشتغال به حیات طبیعی (روزمرگی)	۱۴۷
ب) نظر مولوی	۱۵۰
۱. اشتغال به حیات طبیعی	۱۵۰
۲. اکتفا به الهیات مدرسی	۱۵۳
۳. استکبار نفس و راه زنی شیطان	۱۵۸

۱۶۳	۴. ارتباط تقلیدی و مجالست با بدان
۱۶۷	فصل چهارم
۱۶۷	مراحل تعالی
۱۶۸	مراحل تبیل
۱۷۲	فنا و شهرد
۱۷۷	وحدت وجود یا اتحاد نورانی
۱۸۱	نظریه یاسپرس درباره واقعیت متعال
۱۸۵	فصل پنجم
۱۸۵	با هم نگری و نتیجه گیری
۱۸۷	درباره کل دستگاه فکری مولانا و یاسپرس
۱۸۸	درباره امکان تعالی
۱۸۸	درباره جایگاه برتر انسان
۱۸۹	درباره ماهیت انسان
۱۹۰	درباره مراتب وجود انسان
۱۹۱	درباره آزادی انسان
۱۹۳	درباره موجبات اصلی تعالی
۱۹۶	درباره موجبات فرعی تعالی
۲۰۴	درباره موانع سیر تعالی
۲۰۸	درباره مراحل تعالی
۲۰۹	درباره مقصد تعالی
۲۱۰	اشارات تربیتی
۲۱۲	پیشنهادهات
۲۱۵	فهرست منابع
۲۲۱	فهرست منابع انگلیسی

مقدمه

در اواخر قرن بیستم و آستانه ورود به قرن بیست و یکم، در حالی که آسمان از ارزشها تهی شده است، و چرخهای عظیم صنعت، استخوانهای فرهنگ را خرد می کنند، فرشته علم به فرمانبرداری دیو ستم گردن نهاده است! میلیونها نفر از گرسنگی و بی غذایی جان می سپرند و میلیاردها نفر در تشنگی محبت هلاک می شوند. در خشک سالی عاطفه، که خوردن میته، حلال و تناول خون انسان مباح گشته است، در عصر فضا، در عصر اتم، در دوران بمبهای هسته ای و جنگهای اطلاع رسانی و حکومت ربانها، در دهکده آفت زده جهانی، در غارتکده اقتصاد بین المللی، در نیرنگ بازار سیاست یک قطبی و دو قطبی، در معرکه ی تهی از معنویت که ساز و دهل آزادی و دموکراسی گوش را می خراشد، و در طوفان خانمان برانداز فحشاء فرزندان آدم در جست و جوی یافتن ریسمان نجاتی که ایشان را به بهشت سعادت بازگرداند، می کوشند و در این راه، به هر تار عنکبوتی تمسک می جویند؛ بلکه بارها به توصیه عدومبین، از شاخه های شجره ممنوعه آویخته اند و می آویزند زیرا در فضای آلوده معاصر، شناسایی صبح صادق حتی با چشم مسلح، بسی مشکل تر از دوران ماقبل گاليله است.

از طرف دیگر، ندای جان بخش انبیای الهی و پیام آوران نیک بختی، در هیاهوی بوقهای تبلیغاتی «آزادی»، گم شده است و چشم اشک آلود انسان، در انتظار کمک علم و فناوری خیره مانده است. مدعیان تعلیم و تربیت نیز زیر سیطره نظام سرمایه داری جهانی، از تعریف، تعیین و تمیز زندگی، سعادتمندانه و نقطه اوج تعالی انسان عاجز

مانده‌اند.

با این همه، در این صحرای سوزان و تفتیده، بار دیگر نسیم رحمت آفریدگار بشر که همانا مربی و معلم واقعی اوست و دل‌های سفر کرده، ره گم کرده آنها را هادی و راهنماست، وزیدن گرفت و درگوشه‌ای از جهان ناسوتی ما، عطری از ملکوت افشاند و هوای دل را به وصال اصل فرا خواند.

پس اکنون که زنگ کاروان، ندای الرحیل سر داده است، بیش از همیشه ضرورت ژرف‌نگری و دوراندیشی در مقصد مقصود و غایت حیات، گوش‌زدمان می‌شود و بر ماست که با مراجعه به منابع اصیل تفکر، عروج و چگونگی حرکت تعالی‌بخش انسان را، که هدف خلقت او نیز می‌باشد، مورد بازبینی و ریزینی قرار دهیم.

از سوی دیگر، اعلام سال ۲۰۰۷ به نام مولانا، بهانه‌ای است برای بازخوانی میراث گران بهای تکفر این مرد بزرگ، به منظور آزمودن راه‌های تجربه شده و گران‌سنگ گذشتگان، و نیز گریختن از مشکلات حتی مسائل سنتی انسان معاصر. بازخوانی میراث گذشتگان در پرتو مطالعه تطبیقی تجربه‌های جدید، امکان ملاحظه مسائل پیچیده انسان از منظرهای گوناگون، و همچنین، یافتن راه‌های معتبرتر را فراهم می‌آورد. آمد و شد میان نگرشهایی که به رغم اختلاف در سه جهت مقطع تاریخی، قلمرو جغرافیایی، و حوزه اجتماعی، دارای شیوه‌های مشترک و مواجهه‌های مشابه نسبت به مسائل زندگی انسان هستند، امکان دست‌یابی به تجویزهای کلی و فراگیر را گسترش می‌دهد.

قانون منت‌داری ایجاب می‌کند، حضرت‌مآن را به فضل تخصیص این موقعیت زمانی و مکانی برتر شکر گذاریم، با ذره‌بین خرد، در بوستان بیکران اندیشه به سیر و سیاحت پردازیم و دسته دسته، گل حقیقت از باغچه‌های فلسفه و عرفان برگیریم بر سر کوچه تاریک صیروت بیاویزیم.

نوشتار حاضر بر آن است تا با ترسیم دقیق اندیشه «تعالی»^(۱)، نزدیکی از متفکرین حوزه اسلامی که رهنمودهای راهگشایی برای طالبان تعالی و جویندگان خوشبختی به میراث گذاشته است، و بررسی مقایسه‌ای آن با اندیشه تعالی در تفکر یکی از

اندیشمندان فلسفه غرب که در متن تحولات عصر حاضر و سردرگمیهای بشر معاصر به تدوین طرح تازه‌ای در زمینه تعالی پرداخته است، به بازشناسی هر چه بهتر و ریزینی هر چه دقیق تر جاده طریقت دست یابد. به علاوه، ضمن مطالعه تطبیقی اندیشه کارل یاسپرس با آنچه از آثار جلال‌الدین محمد مولوی خاصه «مثنوی معنوی» در این باره می‌توان یافت، به روشنگری جنبه‌های ناشناخته تعالی انسان، استنباط زیر و بم پنهان موسیقی عروج، و تعیین نقاط ابهام‌آمیز این حرکت منفعت‌سوز صعود، دست یازد.

سنگ بنای اثر حاضر این سؤال اساسی است که: «آیا این دو اندیشمند بزرگ از دو خاستگاه متفاوت فکری، یعنی اندیشه اسلامی و فلسفه اگزیستانسیالیستی، و در دو برهه کاملاً ناهمگون تاریخی، یعنی قرن دوازدهم و قرن بیستم میلادی، در دو جغرافیای مختلف و در دو جامعه ناسازگار، می‌توانند نظرات مشابهی درباره صیوروت انسان و واقعیت تعالی، و همچنین پیچ و خمها و زیر و زبرهای آن داشته باشند؟ به عبارت دیگر: «آیا میان نظریه تعالی یاسپرس، با مجموعه میراث فکری بر جای مانده از مولانا در این زمینه خاص، تشابهی وجود دارد؟»

آنچه می‌توان به عنوان برهان موجه این پژوهش در برابر اذهان نقاد اراده کرد، این است که:

۱. موضوع تعالی، علقه مشترک هر دو متفکر بوده است.
۲. درون‌نگری و خویش‌خوانی تشخیص سلوک ویژه آنان معرفی شده است.
۳. تأثرات یاسپرس از اندیشه‌های عرفانی افرادی چون یاکوب بوهمه، و پلوتینوس (به وساطت کرکگارد یا مستقیماً)، پیشگوی گره خوردن نظریه فلسفی تعالی با تفکرات عرفانی مولانا در بعضی حیطه‌هاست.
۴. انحصار ابداع نظام دار و منسجم نظریه تعالی به یاسپرس،^(۱) و همچنین گستردگی کلام مولانا در این حوزه خاص، ما را ناگزیر از انتخاب این دو سرچشمه غنی برای این مطالعه مقایسه‌ای کرد.

۱. اگرچه ریشه‌ها و مبانی این فکر در سلف یاسپرس، تا افلاطون ادامه می‌یابد، ولی ابداع طرح سازمان‌دهی شده آن، از اختراعات یاسپرس است.

بدین ترتیب، گره اساسی و مسئله اصلی که هسته مرکزی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، در یک جمله عبارت است از این سؤال که: «آیا بین نظریه تعالی کارل یاسپرس و محتوای به جای مانده از مولانا در این زمینه، تشابهی وجود دارد؟»

فرضیات

حدس و استنباط اولیه ما که بر نتایج مطالعات مقدماتی بنا نهاده شده، از این قرار است:

۱. از نظر یاسپرس و مولانا، تحقق حقیقت انسان در تعالی است.
۲. از نظر یاسپرس و مولانا، انسان نقطه آغازین حرکت تعالی بخش است.
۳. مراتب وجودی انسان در دیدگاه یاسپرس و مولانا قابل مقایسه هستند.
۴. عناصر سازنده «موقعیتهای مرزی»^(۱) در فلسفه یاسپرس، در اندیشه مولانا نیز به عنوان اهرمهای بیدارگر و انگیزش درونی به سوی تعالی معرفی شده‌اند.
۵. در سیر تعالی، مولانا بیش از یاسپرس بر توفیق و «هدایت الهی»^(۲) تأکید دارد.

تعریف واژگان

انسان: «به کسر اول، در لغت به معنی مردم، آدمی و حیوان ناطق آمده است»

دو سر دو حلقه هستی به حقیقت به هم تو پیوستی

هستی: (۳) به معنی: ● وجود، بود [اقبال لاهوری، محمد. سیر فلسفه در ایران.

ترجمه ا.ح. آریان‌پور. تهران: نگاه ۱۳۸۰]

● تحقق [شریعتمداری، علی. فلسفه. تهران: دفتر نشر و

فرهنگ اسلامی ۱۳۷۳]

● تقرر ظهوری، هستی ظهوری [کاپلستون، فردریک چالز.

تاریخ فلسفه. ترجمه: جلال الدین مجتبی. تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی. سروش [۱۳۷۵]

● تقرر، موجودیت، موجود مقید [استیس، والتر ترنس. عرفان

و فلسفه. ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی. تهران: سروش [۱۳۶۷]

● هویت [ایزوتسو، تشی هیکوه. بنیاد حکمت سبزواری ما،

یا، تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملاهادی سبزواری. ترجمه.

جلال الدین مجتبی. تهران: دانشگاه تهران [۱۳۷۹]

● زندگانی، موجود، امر موجود [کانت، ایمانوئل. سنجش

خردناب. ترجمه: سید شمس الدین ادیب سلطانی. تهران:

امیرکبیر [۱۳۸۳]

تعالی: ضرورت آدمی است، به سوی متعال؛ یعنی از خود فرا شدن [.]

قرب نی بالا نه پستی رفتن است. قرب حق از حبس هستی رستن است

آن تعال او تعالیها دهد مستی و جفت و نهالیها دهد

و نیز به معنی: ● استعلاء [آریانپور، : ؛ فردید، :]

● تعالی [استیس، والتر ترنس. فلسفه هگل.

ترجمه. حمید عنایت. تهران: شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی، [۱۳۸۱]

● برترگرایی [اسلک اینتایر، السدر. مارکوزه.

ترجمه. حمید عنایت. تهران: خوارزمی [۱۳۵۲]

● تنزه [باربو، ایان. علم و دین. ترجمه: بهاء الدین

خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی [۱۳۶۲]

تبتل: «عبارت است از انقطاع سالک، از هر چه جز خداست و ترک هر گونه تردید و

شک و دودلی در طریقت و ترک هر نوع وهم و خیال تردد آمیز که باعث وقفه و سکون در

سیر و رشد او شود، و توجه کلی دل به خدای تعالی و طریقی که به او ختم می‌گردد»

[گوهرین، ۱۳۶۷، ج ۴: ۸].

تخلیه (تخلّی): «تخلّی، اعراض باشد از اشغال دل هر بنده را از خداوند و یکی از آن، دنیاست، به حکم تشریف عنایت، چنان که دست از دنیا خالی کند و ارادت عقبا از دل قطع کند و متابعت هوا از سر خالی کند و از صحبت خلق اعراض کند و دل از اندیشه ایشان بپردازد» [همان، ص ۴۱].

تجلیه (تجلی): «عبارت است از ظهور افعال و اسما و صفات و ذات الهی در سالک. در انواع تجلیات و تقسیم‌بندی آن اقوال مختلف است... تجلی ذات که مکاشفه نیز خوانده می‌شود و آن چنان است که سالک حق را در همه جا مشاهده نماید، حق بر بنده کشف شود و سالک بدان صفات متّصف شود» [همان، ص ۳۲].

تحلیه (تحلّی): «تلبّس به افعال صادقانه است و آل محمود است. چون به صدق مقرون باشد، حقیقتش لزوم شواهد عبودیت است، به حلاوت ارادت در طلب مشاهده» [همان، ص ۳۹].

فلسفه هستی: ^(۱) به معنی: ● وجودگرایی [اقبال لاهوری، محمد. سیر فلسفه در

ایران. ترجمه ا.ح. آریان‌پور. تهران: نگاه ۱۳۸۰]

● اصالت وجود یا فلسفه وجودی [شریعتمداری،

علی. فلسفه. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ۱۳۷۳]

● فلسفه تقرر ظهوری [کاپلستون، فردریک چالز.

تاریخ فلسفه. ترجمه: جلال الدین مجتبوی. تهران:

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. سروش ۱۳۷۵]

● مذهب اصالت هستی ظهوری انسان با اصالت

وجود انسانی [جوادی، :]

اثبات‌گرایی ^(۲) به معنی: مثبت‌گرایی [آگ برن، ویلیام فیلدینگ. زمینه

جامعه‌شناسی. اقتباس. ا.ح. آریان‌پور. تهران نشر

گسترده ۱۳۸۰]

● مذهب تحقیقی [مصاحب، غلامحسین. دائرة

المعارف. تهران: امیرکبیر ۱۳۸۰]

● مذهب اثباتی [داریوش، :]

● فلسفه تحصّلی [آندرنگ، :]

● اصالت محصل [خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. نظری

اجمالی و انتقادی به بوزیتوسیم منطقی. تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۱]

اهداف و روش تحقیق

اهداف این تحقیق که به روش تحلیل توصیفی صورت پذیرفته است، عبارت‌اند از:

۱. بازشناسی دقیق تر غایت مطلوب تعلیم و تربیت، و آشکار نمودن نقاط مبهم آن، با

استخراج موارد متشابه نظرات یاسپرس و مولوی دربارهٔ تعالی انسان.

۲. فراهم آوردن زمینه توجه و گرایش صاحب نظران و سیاست‌گذاران نظام تعلیم و

تربیت، به نگرش تعالی‌جویانه نسبت به این جریان مقدس و بالطبع، گسترش عزم ایشان

در جهت ایجاد تغییرات متناسب و مطلوب در کلیه فعالیت‌های تربیتی در همه سطوح و

همه حیطه‌ها، به گونه‌ای که طرح‌ریزی و اجرای فرصت‌های تربیتی هماهنگ با تعالی را

ممکن سازد.

محدودیت‌های تحقیق

۱. موضوع این تحقیق محدود است به شناسایی و استخراج موارد متشابه نظریات

مولوی و یاسپرس در زمینه تعالی انسان، و ذکر بعضی تفاوت‌ها، تنها به دلیل ناتمام نماندن

بحث بوده است.

۲. نظریات مولوی از کتاب «مثنوی معنوی» و نظریات یاسپرس عمدتاً از متن

انگلیسی کتاب «فلسفه یاسپرس» (جلد سوم) استخراج شده‌اند. اگرچه از شروح و

تألیفات دیگر نیز برای قرار گرفتن در فضای فکری این دو اندیشمند استفاده شده است، ولی «دیوان کبیر»، «فیه مافیه» و «مجالس سبعه مولوی»، همچنین جلد‌های اول و دوم فلسفه یاسپرس. از دیگر تألیفات فراوان او، جز در موارد اندکی، مورد استناد این تحقیق؛ البته برای تقریب ذهنی، از آنها نیز بهره فراوان گرفته شده است.

۳. چه در کتاب یاسپرس و چه در کتاب مثنوی اکثر مطالب تحت عناوین آورده شده در این تحقیق، و به صورت الگوی طراحی شده این تحقیق نبوده‌اند، بلکه پس از استخراج، به صورت طرح پژوهشی فعلی سازمان دهی شده‌اند.

۴. در این تحقیق پیش فرض اولیه ما این است که: «تعالی انسان هدف تعلیم و تربیت است» و ما در پی اثبات این مطلب در دیدگاه مولانا و یاسپرس نبوده‌ایم.